

۱- هر کلمه از سمت راست رابه کلمه ی مناسب در سمت چپ وصل کن و ترکیب دو کلمه را بنویس.

	ما	سَرِیاز
	با اِیابان	مادر
	توت	دبستان
	آزاده	سَبَد

۲- به هر کلمه سه کلمه ی مربوط به آن اضافه کن و آن ها را با \_ ربط به هم ربط بده.

			سیب
			دست
			آسمان
			مداد

۳- قسمت دوم جدول را کامل کن.

منتظر شنیدن کلمه ی بعدی، بنویسند.	منتظر شنیدن کلمه ی بعدی، هستند.
خانه -----	کلاسِ بزرگ
شانه -----	معلمِ مهربان
کوزه -----	کتابِ داستان
خامه -----	بهارِ گذشته



## متن روان خوانی و املا درس سفر دینزیر

به نام خداوند مهربان

آذر و ابوذر خواهر و برادر هستند.

این دو نفر هر روز با صدای آذان از خواب بیدار می شوند.

آن ها بهار گذشته به مسافرت رفته بودند.

در راه مقداری ذرت بوداده خریدند.

آذر از خوردن ذرت بو داده لذت برد.

سپس مادر شان شام لذیذی برای آن ها آماده کرد.

آن ها وسایل خود را در جای مخصوص می گذارند.

بچه ها با ذره بین به صدف های کنار دریا نگاه می کردند.



## متن روان خوانی و املا درس مثل خورشید

به نام او که به ما توانایی داد تا بتوانیم بخوانیم و بنویسیم.

ثریا و علی خواهر و برادر هستند.

آن ها با شنیدن صدای آذان برای نماز آماده می شوند.

بعد از نماز مثل پدر و مادرشان از خدای بزرگ تشکر می کنند.

این دانش آموزان به مدیر و معاون مدرسه سلام می کنند.

آموزگار گفت: مثلث سه گوشه و مربع چهار گوشه دارد.

این خواهر و برادر هر شب دندان ولشه هایشان را تمیز می کنند.

چون می دانند که دندان کثیف باعث بیماری می شود.

پدر بزرگ شعر و مثل های زیبایی برای ما خواند.

او می گوید: باید از ثروت برای کمک به دیگران استفاده کنیم.

خواندن قرآن و دعا در زندگی اثر بسیار خوبی دارد.

ساعت عقربه ی ثانیه شمار دارد.

